



# ردّیه

اتهام جواز خشونت با اسرا در اسلام

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات  
(خوزه‌های علمیه)

شبهه‌شناس

گفت‌وگو با اساتید و صاحب‌نظران

ضمیمه ماهنامه شبهات

shobhe.pasokh.org



# فهرست

|                                                             |           |
|-------------------------------------------------------------|-----------|
| مقدمه                                                       | ۵         |
| چکیده                                                       | ۷         |
| پیشگفتار                                                    | ۱۱        |
| <b>الگوی رفتاری پیامبر ﷺ با اسیران جنگی</b>                 | <b>۱۷</b> |
| مصادیق خشونت مجاز در اسلام                                  | ۱۸        |
| ۱- دفاع از جان، مال، ناموس و آزادی                          | ۱۸        |
| ۲- مقابله به مثل و مبارزه با ظلم‌های سازمان یافته           | ۱۸        |
| سیره پیامبر اکرم ﷺ با اسیران جنگی                           | ۱۹        |
| قتل اسیر!                                                   | ۲۵        |
| علل برخورد قاطع و بازدارنده پیامبر ﷺ با یهود بنی قریظه      | ۳۳        |
| ۱- پیمان شکنی یهود بنی قریظه                                | ۳۵        |
| ۲- اقدامات ضد امنیتی بنی قریظه                              | ۴۴        |
| ۳- رضایت سران بنی قریظه به حکم سعد بن معاذ                  | ۴۶        |
| <b>الگوی رفتاری امام علی علیه السلام با اسیران جنگی</b>     | <b>۵۱</b> |
| بررسی گزارش دستوراعدام ۲۵۰۰ نفر از سوی امام علی علیه السلام | ۵۸        |
| بررسی گزارش فرمان شبیخون به سربازان معاویه در ليله الهرير   | ۶۷        |

۶۸ حقیقت‌یابی ماجرای ارتداد پس از پیامبر ﷺ

۷۳ تفاوت ماهوی جنگ‌های رسول خدا ﷺ با رفتار

داعش

۷۷ سخن پایانی

## مقدمه

"ردیه" پاسخی به شبهات بنیادین، اساسی و پایه‌ای است؛ شبهاتی که سبب ایجاد شک و تردید در مبانی و بنیادهای اعتقادی، باورهای مهم و تأثیرگذار دینی شده و ذهن و عاطفه مخاطبان را با چالش روبرو می‌کند.

در دهه اخیر رفتارهای خشن و به دور از انسانیت و آموزه‌های اسلامی از سوی گروه‌های تکفیری موجب بدبینی غیر مسلمانان و ایجاد شبهه برای مسلمین گردیده است، چه آن که این گروه‌ها عملکرد غلط خود را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز نسبت داده‌اند.

در این شماره از ردیه با عنوان «اتهام جواز خشونت با اسرا در اسلام» سعی شده است تا با بیان تفاوت ماهوی رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام

علی علیه السلام با رفتار تکفیریان، به صورت مستند و مستدل به شبهه مذکور پاسخ داده شود.

لازم است از زحمات حجج اسلام آقایان امیرعلی حسنلو و یدالله حاجی زاده جهت تدوین این شماره از ردیه تشکر نماییم.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

حوزه های علمیه

# چکیده

تبیین و بررسی سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در رفتار با مخالفان از جمله اسیران نظامی و یهود مدینه و دیگر مخالفان از اهمیت ویژه برخوردار است، از آن رو که این پژوهش و تبیین باید روشمند بوده و جهت روشنگری و بازداری از سوء استفاده و ترویج رفتارهای غیرانسانی بنام دین اسلام و پیشوایان ضروری است، این مقاله با بررسی گزاره‌های تاریخی مربوط به رفتارها خشونت‌آمیز با اسیران و بنی‌قریظه و مخالفان دیگر معاصر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به این نتیجه دست یافته است که دسته‌ای از این گزارشات به جهت ضعف سند، اعتبار نداشته و برخی دیگر از گزارشات بدون ذکر سند و دلایل تاریخی رویدادهای مختلف با هدف خاص غلوآمیز نمایاند

شده است؛ از جمله رویداد بنی قریظه بدون ذکر شرایط و علل وقوع این رویداد توسط مستشرقان و دشمنان پیامبر اکرم و اهل بیت عليهم السلام وارونه جلوه داده شده است تا سیمایی خشن از اسلام به دیگران ارائه گردیده و زمینه اسلام‌هراسی از پیامبر و امیرمؤمنان عليهما السلام شده و مانع گرایش دیگران به اسلام و مکتب اهل بیت عليهم السلام گردد؛ این رویکرد دین‌ستیزانه مستشرقان با اسلام و مکتب اهل بیت در حال حاضر با ظهور گروه تکفیری داعش خیرش دوباره یافته است تا رفتار جاهلانه و خشونت‌بار و غیرانسانی آنان را برای اسلام‌ستیزی مجدد با استناد به گزاره‌های تاریخی سقیم منتسب به پیامبر اعظم صلوات الله عليه وآله و امیرمؤمنان نمایند؛ این مقاله با بررسی دقیق این گزاره‌ها و علل وقوع رویدادها از سیمای پیامبر رحمت صلوات الله عليه وآله و سرباز فداکارش امیرمؤمنان عليهما السلام که اساس دین اسلام هستند، این زنگارها را زدوده و به بیان علل و ریشه‌های این رویدادها پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که انتساب این رفتارهای خشن به این بزرگان با هدف اسلام‌هراسی و انگیزه‌های کینه‌توزانه صورت گرفته است.



واژه‌گان کلیدی: سیره پیامبر ﷺ؛ اسیر؛ جنگ‌های علی علیه السلام؛ داعش؛ خشونت؛ تکفیر.

در این مقاله به این شبهات پاسخ داده شده:

- رفتارهای متناقض با اسیران و شبهه سر بردن اسیران در جنگ‌های پیامبر ﷺ
- رفتار امام علی علیه السلام با اسیران، پاسخ به شبهه بردن سر ۲۵۰۰ نفر توسط ایشان
- شبهه نسبت دادن کشتار بنی قریظه به دستور پیامبر ﷺ توسط علی علیه السلام
- رفتارهای خشونت آمیز داعش مطابق سیره رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام است
- پاسخ ضمنی به این شبهه که اسلام با جنگ و خشونت گسترش یافته است



# پیشگفتار

گسترش دامنه‌ی دین اسلام در جهان از دیرباز دشمنان اسلام را به وحشت انداخت از اینرو تدابیری برای مقابله با این دین الهی اندیشیدند؛ یکی از تدابیر آنان مقابله راه بردی با گسترش جغرافیایی و قلمرویی دین اسلام بود؛ جنگ افروزی اولین راه برد غرب در برابر نفوذ اسلام در دل‌های مردم جهان به ویژه اروپا بود؛ جنگ‌های صلیبی نمونه بارز این نبرد سخت بود که نتوانستند از آن نتیجه مطلوب و کامل بگیرند؛ روش دیگر مقابله با اسلام تجزیه و تصغیر قلمرو اسلامی بود که طی جنگ‌های تحمیلی جهانی علیه اسلام این توطئه را پیاده نموده و قلمرو اسلامی را به کشورهای کوچک تقسیم نمودند؛ به نحوی که امپراطوری بزرگ عثمانی که میراث دار خلافت اسلامی بود به کشورهای کوچکی با مرزهای

مشخص تقسیم گردید که زبان ونژاد وقومیت درآن یکی از عناصر مرزبندی به شمار می‌آمد؛ راه دیگری که برای مقابله با گسترش فرهنگ و عقاید اسلامی در پیش گرفتند که ریشه‌ی دیرینه و سابقه در اسپانیای اسلامی داشت تخریب هویتی از درون بود بدین نحو که عقاید جوانان مسلمان را با ابتذالات مختلف اخلاقی و عقیدتی هدف تیرهای خود قرار دادند و دراین راستا به تخریب چهره پیشوایان دینی از جمله شخص پیامبر اسلام ﷺ پرداختند؛ برای این منظور با برنامه ریزی و هدف‌گذاری خاص شروع به کار نمودند از جمله به تشکیل مرکزی بنام استشراق ورشته‌ای در دانشگاه‌های غرب با عنوان شرق شناسی که خود دارای شاخه‌های کوچکتری بنامهای: ایران شناسی ، اسلام شناسی زبان شناسی و شیعه شناسی ، و... برای هریک از کشورهای اسلامی به تناسب زمان و مکان و ملیت و زبان شاخه‌های تخصصی تعریف کرده و به مطالعه موردی و جزئی در آنها پرداختند؛ در همین راستا مستشرقان با مطالعه درمتون اسلام و تصحیح نسخ خطی منابع اسلامی به نشرو انتشار پرداختند و ضمن آن با آشنایی

به گزاره‌های ضعیف آسیب‌هایی را در منابع یافتند که برای برجسته نمودن آنها و استفاده مغرضانه از آنها برای تخریب چهره شخصیت‌های اسلامی از جمله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام روی آوردند و این شیوه را برای مقابله با روند گسترش اسلام مناسب تردیده و در این جهت مقاله‌های توهین آمیزی در مجلات مختلف و دائره المعارف‌های خود منتشر نمودند.

این روش تا به امروز ادامه یافته و مستشرقان با نوشتن چنین مقالاتی درباره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به سیاه نمایی علیه اسلام دامن زدند، قرآن و شخصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر صحابه از جمله اساسی‌ترین بنیان‌های دین اسلام است که مورد تاخت و تاز تند مستشرقان قرار گرفته است.

در جهان اسلام گروه‌هایی افراطی و تکفیری سر برآورده است و رفتارهایی خشونت آمیز همچون سر بریدن، آتش زدن و مثله کردن دیگران در مجازات دشمنان خویش از آنان سر می‌زند و این تندخویی‌ها برای مشروعیت یافتن منتسب به دین می‌شود.

بر اساس همین گزاره‌های نادرست در برخی از سایت‌های اینترنتی هجمه‌های شدیدی نسبت به اسلام صورت می‌گیرد. معاندان اسلام رفتارهای وحشیانه‌ی گروه داعش و احیانا گروه‌های دیگری چون بوکوحرام را بازتابی از همان رفتارهای رسول خدا ﷺ و رفتارهایی برآمده از متن اسلام قلمداد می‌کنند. دشمنان اسلام تلاش می‌کنند به منظور مقابله با اسلام، تصویری خشن، نامهربان، غیر منطقی و بیرحم از پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام به تصویر بکشند. و به این وسیله به تخریب چهره اصیل اسلامی پردازند.

برخی از مهم‌ترین مطالبی که توسط این گروه‌های معاند در سایت‌های اینترنتی آمده بدین شرح است:

- رفتار پیامبر اکرم ﷺ با اسیران متناقض بوده است. مثلا در جنگ با بنی قریظه دشمنان را گردن زدند و در جنگ بدر بنی هاشم را آزاد کردند.

- پیامبر ﷺ بیرحم و خون ریز بوده و با خشونت سر اسیران را بریده است.

- حضرت علی علیه السلام نیز گردن اسیران را زد.

- رفتارهای خشن داعش، همان رفتارهایی است که از رسول خدا ﷺ و امام علی علیه السلام سر زده است.

این مقاله با بررسی گزاره‌های تاریخی پاسخی به این‌گونه اتهامات است که در سایت‌ها و فضای مجازی منتشر شده است.

در بخش اول پس از اشاره مختصری به موارد جواز خشونت در اسلام، رفتارهای رسول خدا ﷺ با اسیران جنگی مورد توجه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود به شبهاتی که در این زمینه مطرح شده مثل شبهه رفتارهای متناقض با اسیران و شبهه سر بردن اسیران پاسخ داده شود.

در بخش دوم به رفتارهای امام علی علیه السلام با اسیران توجه می‌شود و به شبهه سر بردن ۲۵۰۰ نفر توسط آن حضرت پاسخ داده می‌شود.

در بخش سوم به این سوال پاسخ داده می‌شود که آیا رفتارهای داعش و اقدامات خشونت آمیز آنان تا چه حد با سیره رسول خدا ﷺ و سیره امام علی علیه السلام مطابقت دارد؟





# الگوی رفتاری

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با

## اسیران جنگی

در دین اسلام به عنوان دین برگزیده الهی همواره انسان‌ها به مدار و رفتار نیکو با دیگران سفارش شده‌اند. بر اساس حدیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خداوند اهل مدارا است و مدارا کردن را دوست دارد و برای مدارا پاداشی قرار می‌دهد که بر ای خشونت نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

مدارا و برخورد خوب و نیکو، اصل اولی، یک ضرورت انکار ناپذیر و در حقیقت یک قاعده بسیار برجسته در اسلام است؛ اما در این میان مواردی به عنوان استثنا و تفاوت‌ها نیز وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود.

---

۱. «ان الله رفيق يحب الرفق و يعطى على الرفق ما لا يعطى على العنف و ما لا يعطى على ما سواه» مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا، ج ۸، ص ۲۲ و کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۸ قسمت پایانی این حدیث در کافی نیست.

## مصادیق خشونت مجاز در اسلام

### ۱- دفاع از جان، مال، ناموس و آزادی

هنگام دفاع از جان و هنگام جهاد در راه آزادی انسان‌ها از ستم و تجاوز، وضعیت متفاوت می‌شود. در این مورد منطق قرآن کریم سخت‌گیری بر کفار و متجاوزان و ستمگران است.<sup>۱</sup>

### ۲- مقابله به مثل و مبارزه با ظلم‌های سازمان‌یافته

در این مورد نیز در همه جا نباید موضع گذشت را در پیش گرفت. زیرا گذشت در برخی از موارد زیان بار است.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یهودیان بنی‌نضیر را بخشید و همین‌ها بودند که مقدمات جنگ احزاب را علیه پیامبر و مسلمانان فراهم کردند.

در روایتی امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وَحَقٌّ مِّنْ سَاءِكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ يُضُرُّ انْتَصَرْتَ»<sup>۳</sup> حق کسی که به تو بدی کند این است که از او بگذری و اگر بدانی گذشت زیان دارد، از او انتقام کنی.

۱. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» فتح، ۲۹ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

۲. حسین احمد الخشن، اسلام و خشونت، ص ۱۸۷.

۳. صدوق، آمالی، بیروت، علمی، ۱۴۰۰، پنجم، ص ۳۷۴ و مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران؛ اسلامیه، ج ۷۱، ص ۹.

«اسلام به این قاعده که» اگر کسی بر گونه راست تو سیلی زد، گونه چپ خود را هم برگردان» باور ندارد مگر در حقوق شخصی و حق ویژه<sup>۱</sup> «محمد و مسیح هر دو در سطح حقوق شخصی به گذشت فرا می‌خوانند. خداوند فرموده است: ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾<sup>۲</sup> اگر گذشت کنید، به تقوا نزدیک تر است. اما در سطح حقوق اجتماعی و حق همگانی، نه از نگاه محمد ﷺ و نه از نگاه مسیح عليه السلام، روا نیست که قاعده، همان چشم پوشی و گذشت باشد. زیرا معنایش بی ارزش شدن قانون از اساس، حاکمیت قانون جنگل و گسترش هرج و مرج در جامعه است.»<sup>۳</sup>

### سیره پیامبر اکرم ﷺ با اسیران جنگی

قرآن کریم نیک رفتاری با اسیر را شایسته تقدیر دانسته است و از کسانی که به اسیر

اطعام می‌کنند، تجلیل کرده است. ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾<sup>۴</sup> و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند.

۱. حسین احمد الخشن، اسلام و خشونت، ص ۱۸۷.

۲. بقره، ۲۳۷.

۳. حسین احمد الخشن، اسلام و خشونت، ص ۱۸۷.

۴. الإنسان: ۸.

پیامبر گرامی اسلام به عنوان مظهر رحمت و عفو الهی<sup>۱</sup> نیز در موارد متعددی نیک رفتاری با اسیران را سفارش کرده است و از مسلمانان خواسته است که با اسیران خوش رفتاری کنند، به آنان دشنام ندهند و به شایستگی به آنان احسان و نیکی کنند. از زهری نقل شده است: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: استوصوا بالأسرى خیراً.<sup>۲</sup> شما را به رفتار نیکو با اسیران سفارش می‌کنم.

وقتی یکی از یاران آن حضرت در یکی از جنگ‌ها، مردی را اسیر گرفت و به خاطر کاری که انجام داده بود، به مادرش دشنام داد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را به خاطر این رفتارش سرزنش کرد و چنین رفتاری را جاهلانه خواند. سپس آن حضرت اسیران را به منزله غلامان و کنیزانی خواند که زیر دست قرار گرفته‌اند و در پایان گفتارش فرمود: «کسی که برادرش زیر دست اوست، باید آنچه خود می‌خورد، به او بخوراند و آنچه خود می‌پوشد، به او بپوشاند و بیش از توانش، او را به کار نگیرد».<sup>۳</sup>

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» الأنبياء، ۱۰۷ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۲. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ط الثالثة، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بی‌جا، دار الفکر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۲۳.

رسول خدا ﷺ در این جا، برخورد غیر منطقی با اسیر را برخوردی نادرست و جاهلی دانسته و به یاران خویش گوشزد می‌کند رفتار شما با اسیرانی که در دست شما گرفتار شده‌اند، می‌بایست «برادرانه» باشد. این نوع برخورد با اسیر، نشان دهنده کمال مهربانی است.

شاید به جهت همین توصیه‌های دینی بوده که بعضا مسلمانان در غذا و مرکب اسیران را بر خود ترجیح می‌دادند. ابو العاص بن ربیع به اسارت خویش در دست انصار و برخورد شایسته آنان با خویش اشاره کرده و در حق آنان دعای خیر می‌کند وی از انصار به خاطر ایثار و فداکاری شان و به خاطر بخشش غذایشان به خویش و سایر اسیران تجلیل کرده است. ولید بن مغیره هم این موضوع را تأیید کرده و افزوده است: انصار ما را سوار می‌کردند و خود پیاده می‌رفتند.<sup>۱</sup>

ابو عزیز بن عمیر، برادر مصعب بن عمیر، نیز به

---

۱. «كنت مع رهط من الأنصار جزاهم الله خيرا، كنا إذا تعشينا أو تغدينا آثروني بالخبز و أكلوا التمر، و الخبز معهم قليل و التمر زادهم، حتى إن الرجل لتقع في يده الكسرة فيدفعها إلي. و كان الوليد بن الوليد بن المغيرة يقول مثل ذلك و يزيد: و كانوا يحملوننا و يمشون» واقدي، المغازی، ج ۱، ص ۱۱۹.

همراهی خویش با گروهی از انصار زمانی که وی را در بدر اسیر کرده بودند، اشاره کرده و از اختصاص غذای خودشان به وی سخن گفته است. او اشاره دارد: «این خوش رفتاری بر اثر توصیه پیامبر خدا ﷺ بود که درباره ما به آن‌ها امر کرده بود...»<sup>۱</sup> این نقل نیز نشان می‌دهد مسلمانان با توصیه رسول خدا ﷺ درباره اسیران خوش رفتاری می‌کردند و بعضاً آنان را بر خویش ترجیح می‌دادند و حتی غذای خویش را در اختیار آنان قرار می‌دادند. موارد متعددی از این گونه برخوردها وجود دارد که ذکر همه آنها نیاز نیست.

علاوه بر این، موارد زیادی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد رسول خدا ﷺ با بزرگواری و مهربانی اسیران را آزاد کرده است.

در جنگ بدر رسول خدا ﷺ برخی از اسیران را با گرفتن فدیة آزاد کرد، برخی را که با سواد بودند مامور کرد به ده نفر از فرزندان مسلمانان سواد بیاموزند

۱. «و كنت في رهط من الأنصار، فكانوا إذا قدموا غداءهم و عشاءهم خصوني بالخبز، و أكلوا التمر لوصية رسول الله صلى الله عليه و سلم إياهم بنا، ما يقع في يدرجل منهم كسرة من الخبز إلا نفحنى بها، فأستحي فأردها فيردها علي ما يمسه» ابن جوزي، ابوالفرج، المنتظم في تاريخ الملوك و الأمم، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۲، اول، ج ۳، ص ۱۲۲.

و آزاد شوند و برخی از آنان را که نه مالی داشتند و نه سوادی در راه خدا آزاد ساخت. و از برخی از آنان تعهد گرفت که مجدداً در جنگ با رسول خدا ﷺ شرکت نکنند.

از جمله کسانی که با دادن فدیة آزاد شدند، عباس عموی پیامبر، نوفل بن حارث و عقیل بن ابیطالب بودند. در منابع تاریخی آمده است: وقتی عباس عموی پیامبر از اسلام خویش خبر داد، رسول خدا ﷺ ضمن اشاره به آگاهی خداوند از اسلام یا کفر وی، او را به خاطر شرکت در نبرد علیه خویش، سرزنش کرد و از وی خواست فدیة خودش و دو برادرزاده‌اش، نوفل بن حارث بن عبدالمطلب و عقیل بن ابی طالب بن عبدالمطلب، و هم پیمانانش، عتبه بن عمرو، را پرداخت کند تا آزاد شوند! وقتی عباس اظهار داشت چنین پولی ندارد، پیامبر خدا ﷺ در خبری غیبی از مالی که وی و همسرش ام الفضل در زیر زمین پنهان کرده بودند، خبر داد. عباس با شنیدن این خبر غیبی از یقین خویش به پیامبری رسول خدا ﷺ خبر داد... سپس طبق دستور رسول خدا ﷺ جهت آزادی

خود و افراد مورد نظر، فدیة پرداخت کرد و آزاد شد.<sup>۱</sup>  
 بر اساس نقلی بعضی از انصار، از رسول خدا ﷺ پیامبر  
 اجازه خواستند تا فدیة عباس را بپردازند. پیامبر  
 اکرم ﷺ فرمود: به خدا شما نمی‌توانید حتی يك در  
 هم از فدیة عباس را کم بکنید.

این حکایت نشان می‌دهد رسول خدا ﷺ حتی  
 در مورد عمومی خویش نیز مسامحه نکرد و تبعیض  
 و تفاوتی میان او و دیگران قائل نشد. بنابراین اگر  
 کسی بگوید: رسول خدا ﷺ نسبت به بنی هاشم  
 امتیازی قائل شد و آنان را (بدون هیچ ضمانتی) آزاد  
 کرد، سخنی نادرست و غیر منطقی است.

از دیگر مواردی که رسول خدا ﷺ نسبت به  
 اسیران و دشمنان خویش مهربانی نشان داد،  
 آزاد سازی قبایل خطاکار یهودی یعنی بنی نضیر و  
 بنی قینقاع، یهودیان خیبر و اهالی مکه، آزاد سازی  
 اسرای هوازن و ... است. تمامی این موارد نشان  
 می‌دهد اصل اولی ای که رسول خدا ﷺ در مورد

۱. ان رسول الله ص قال للعباس بن عبد المطلب حين انتهى به الى  
 المدينة: يا عباس، اقد نفسك و ابني أخيك عقيل بن ابي طالب و نوفل  
 بن الحارث، و حليفك عتبة بن عمرو بن جحدم، أخا بني الحارث بن فهر،  
 فإنك ذو مال... طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد أبو  
 الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، دوم، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۶۶.



اسیران در نظر داشت، مدارا، مهربانی و آزاد سازی آنان بوده است. در این بین تنها با یهودیان بنی قریظه و برخی دیگر از مجرمان برخورد سختی شد که در ادامه به علت آن اشاره می شود.

### قتل اسیر!

کشتن اسیر در شرع مقدس جایز نیست؛ رسول گرامی اسلام هیچگاه اسیران را به صرف اسارت نکشته است؛ حتی در فتح مکه بسیاری از اسیران را آزاد نمود تا جایی که قاتل عمویش حمزه را بخشید؛ مگر اینکه آن اسیر کسی را به قتل رسانده بود، یا رسول خدا ﷺ را هجو (بدگویی در قالب شعر) کرده بود و یا با تعهد آزاد شده بود و برای بار دوم به اسارت مسلمانان در آمده بود.

بر اساس نقل واقدی، مقداد بن عمرو به اسارت حکم بن کیسان و قصد فرمانده خویش به کشتن وی خبر داده است. به همین جهت از وی خواسته تا او را رها کند تا نزد رسول خدا ﷺ برسند و از وی کسب تکلیف کنند. وی می گوید: وقتی نزد پیامبر ﷺ رسیدیم پیامبر ﷺ او را به اسلام دعوت کرد و با وی گفت و گویی طولانی داشت. عمر بن الخطاب که گفت و گوی پیامبر ﷺ را با او

بی فایده می‌دانست در خواست داشت که گردن او را بزند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ توجهی به حرف عمر نفرمود تا حکم اسلام آورد. ... عمر بعدها از اسلام حکم بن کیسان و جهاد وی در راه خدا جهاد و شهادت وی در بُرّ معونه و خشنودی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از وی خبر داده است.<sup>۱</sup> این قضیه نشان می‌دهد پیامبر گرامی اسلام طرفدار به قتل رساندن دشمنان خویش نبوده است و تا وقتی که امیدی بود که افراد ایمان می‌آورند، تلاش می‌کرد آنان را هدایت کند.

بر اساس آیات قرآن کریم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به شدت دل سوزترین به مردم بود و دوست داشت به هر طریقی که شده کاری کند آنان دین الهی را بپذیرند. در یکی از آیات قرآن آمده است: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾<sup>۲</sup> گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی چنانچه به این گفتار ایمان نیاورند! و در آیه‌ای دیگر آمده است: ﴿وَمَا أَكْثَرُ

۱. «أنا أسرت الحكم ابن كيسان، فأراد أميرنا ضرب عنقه، فقلت: دعه، نقدم

به على رسول الله صلى الله عليه وسلم...» واقدی، المغازی، همان، ج ۱،

ص ۱۵.

۲. کهف، ۶.

النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup> و بیشتر مردم، هر چند حرص و آزداشته باشی، ایمان نمی‌آورند.

یا این آیه: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ بیانگر این واقعیت هست که مهربانی پیامبر ﷺ غیر قابل وصف بوده است و همین امر سبب گردید که اسلام در جزیره العرب و سپس در دنیا گسترش و مورد استقبال باشد؛

در عین حال قرآن کریم قوانین و حدودی برای حفظ حریم و حقوق مردم و امنیت جامعه اعلام نموده است چنانکه در همه ملل و نحل قوانین بشری و الهی وجود داشته است؛ لذا در برخی از موارد نیاز بوده که رسول خدا ﷺ به منظور حفظ اسلام، قاطعیت به خرج دهد و بدون تردید اگر این کار را نمی‌کرد دشمن از این مهربانی‌ی بیش از حد، سوء استفاده می‌کرد.

در جنگ بدر رسول خدا ﷺ ابوعزه عمرو بن عبدالله جمحی را که اسیر شده بود بخشید و از

او تعهد گرفت که هرگز در جنگ با رسول خدا ﷺ شرکت نکند. اما او مجدداً در جنگ احد شرکت کرده و اسیر شد.... پیامبر فرمود: اکنون تو را رها نمی‌کنم که دست به رخسارت بکشی و بگویی محمد را دوبار مسخره کردم! این امر نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ هر چند در مرحله اول با مهربانی و رحمت حاضر می‌شود اسیر را آزاد سازد اما در مرحله بعد و پس از اخذ تعهد از او حاضر به بخشش مجدد نیست. بخشش مجدد چنین افرادی سبب از بین رفتن اقتدار اسلام و سوء استفاده افراد می‌شود. علاوه بر این رسول خدا ﷺ متهم به سادگی می‌شود که به راحتی می‌توان او را فریب داده و از دستش رها شد.

در بخشی از سخنان کسانی که به سیره امام علی عليه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله ایراد گرفته‌اند و یا سیره آنان در کشتارها استناد کرده‌اند، آمده است: «وقتی پیامبر از بدر بر می‌گشت دستور داد علی عليه السلام گردن اسیران را بزند.»

۱. فخرج أبو عزة يدعو العرب و يحشرها، ثم خرج مع قريش يوم أحد، فأسر و لم يوسر غيره من قريش، فقال: يا محمد، إنما خرجت مكرها، ولي بنات فامنن علي! فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: أين ما أعطيتني من العهد و الميثاق؟ لا والله، لا تمسح عارضيك بمكة تقول «سخرت بمحمد مرتين» واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۱۱.

این افراد بدون اینکه به علت این قتل اشاره بکنند، صرفاً به کشته شدن دو اسیر به دستور رسول خدا ﷺ و به دست امام علی عليه السلام اشاره دارند.

همان گونه که در منابع تاریخی آمده است، در نبرد بدر هفتاد نفر از مشرکان به اسارت مسلمانان درآمدند. از این جمع هفتاد نفری دو نفر (عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث) به قتل رسیدند. بنابراین این که به طور کلی گفته شود: «پیامبر از بدر بر می‌گشت دستور داد علی عليه السلام گردن اسیران را بزند» جز هوچی‌گری و گمراه کردن دیگران - که از تاریخ و حوادث تاریخی بی‌اطلاع هستند - چیزی نیست.

در منابع آمده است: عقبه بن ابی معیط از مسخره‌کنندگان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از تشویق‌کنندگان جنگ بدر بود.<sup>۲</sup> او از جمله کسانی بود که

---

۱. «كان المستهزئون الذين قال الله فيهم: إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، عمه أبا لهب، و عقبه بن أبي معيط، و الحكم بن أبي العاصي، و...» ابن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمانل و السیر، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۴ اول، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. او و ابو جهل امیه بن خلف را بر شرکت در این جنگ تحریک کردند. «... فأتاه عقبه بن أبي معيط. و أبو جهل، و مع عقبه مجمره فيها بخور، و مع أبي جهل مكحله و مرود، فأدخلها عقبه تحته و قال: تبخر، فإنما أنت امرأة...» واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۶.

در مکه، به منظور جلوگیری از انتشار اسلام با سایر دشمنان رسول خدا ﷺ هم فکری می‌کرد. <sup>۱</sup> بلاذری در انساب الاشراف او را به همراه ابوجهل و ابولهب سرچشمه دشمنی با پیامبر دانسته است. <sup>۲</sup>

طبرسی در مجمع البیان از ابن عباس روایت کرده که گفت: قول خداوند: ﴿يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ﴾؛ روزی که ستمکار از حسرت دست به دندان می‌گزد؛ در مورد عقبه بن ابی معیط و ابی بن خلف جمعی است. بر اساس این نقل، عقبه بن ابی معیط که بر اثر اصرار پیامبر خدا ﷺ شهادتین را بر زبان جاری کرده بود، تحت تاثیر دوستش ابی خلف که گفته بود: «من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر این که در صورتش آب دهان بیندازی و عقبه هم این کار را انجام داد و مرتد شد و شکمبه چهارپایی

۱. ابن شهر آشوب در مناقب از ابن عباس روایت کرده است که: ولید بن مغیره نزد قریش آمد و گفت: ای مردم، فرداست که مردم در موسم حج اجتماع می‌کنند، در حالی که مسأله این مرد در میان مردم منتشر شده است و مردم از شما در مورد او از شما سؤال خواهند کرد، حال شما چه خواهید گفت؟ ابوجهل گفت: می‌گویم که او دیوانه است. و ابولهب گفت: می‌گویم او شاعر است و عقبه بن ابی معیط گفت: «أَقُولُ إِنَّهُ كَاهِنٌ» می‌گویم که او کاهن (پیشگو) است... ابن شهر آشوب، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸.

۲. «وكان الذين ينتهي عداوة رسول الله صلى الله عليه وسلم إليهم: أبو جهل، و أبو لهب، و عقبة» بلاذری، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، دار الفكر، ط الأولى، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۴.

راگرفت و بر پشت آن حضرت انداخت! نبی اکرم ﷺ به وی گفت: در خارج از مکه تو را نمی بینم مگر این که سرت را با شمشیر جدا می کنم.<sup>۱</sup>

نضربن حارث نیز از کسانی بود که قرآن را از «افسانه‌های پیشینیان» می دانست.<sup>۲</sup> در برخی از منابع تفسیری در وجه نزول آیه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»<sup>۳</sup> آمده است: گفته شده که عده‌ای از مشرکان مکه و از جمله ابوسفیان بن حرب و عتبه و شیبه فرزندان

۱. «... ماكنت براض عنك حتى تاتييه فتبزق في وجهه...» طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲، سوم، ج ۷، ص ۲۶۰ و سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، در المنثور في تفسير الماثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴، اول، ج ۵، ص ۶۸.

۲. «و النضر بن الحارث... كان إذا جلس رسول الله صلى الله عليه وسلم مجلسا،... خلفه في مجلسه إذا قام، فحدثهم عن رستم السندي، وعن أسفنديار، وملوك فارس، ثم يقول والله ما محمد بأحسن حديثا مني، و ما حديثه إلا أساطير الأولين، اکتبها كما اکتبتتها. فأنزل الله فيه: وقالوا أساطير الأولين...» ابن هشام، السيرة النبوية، بيروت، دار المعرفة، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۸ و رک: یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه حسین علی عربی، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۳، چهارم، ج ۲، ص ۲۳.

۳. «و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند، و [لی] ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار داده‌ایم]. و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند. تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: «این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» انعام، ۲۵.

ربیعہ، و نضر بن حارث و ولید بن مغیرہ و غیرہ در کنار رسول اللہ ﷺ کہ مشغول قرائت قرآن بود، نشستند و آن گاہ بہ نضر گفتند: محمد چہ می گوید؟ گفت: افسانہ های پیشینیان، مثل همان چیزهایی است کہ من از زمان های گذشتہ برایتان می گفتم. پس از آن، این آیہ نازل شد.<sup>۱</sup>

نضر بن حارث از کسانی بود کہ بہ منظور بی اعتبار کردن قرآن و یا مسخرہ کردن آن آیاتی از پیش خود ساخت. منابع تفسیری از عکرمہ از ابن عباس نقل شدہ کردہ اند کہ نضر بن حارث در مقابل آیات ۱ و ۲ سورہ مرسلات جملاتی را بہ این ترتیب با ہم تعلیق کرد: ﴿و الطاحنات طحنا و العاجنات عجنا...﴾ و آسیابان هایی کہ گندم را آرد می کنند و خمیر کنندگانی کہ آرد را خمیر می کنند...! بہ همین جهت، آیہ ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ﴾<sup>۲</sup> نازل شد.<sup>۳</sup>

۱. رازی، ابوالفتوح، روض لجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشہد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸، اول، ج ۷، ص ۲۵۷ و «ما یقول محمد فقال اساطیر الاولین مثل ما کنت احدثکم عن القرون الماضیہ...» طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۴۲.

۲. «وکیست ستمکارتر از آن کس کہ بر خدا دروغ می بندد یا می گوید: «بہ من وحی شدہ»، در حالی کہ چیزی بہ او وحی نشده باشد»، انعام، ۹۳.

۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تہران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴، اول، ج ۷، ص ۴۱ و سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۰.



زمانی که رسول خدا ﷺ و بنی هاشم در شعب ابیطالب به سختی روزگار می‌گذراندند، نضر بن حارث به همراه عقبه بن ابی معیط و دیگرانی چون ابوجهل سر راه‌های ورودی مکه می‌رفتند و هر گاه می‌دیدند که کسی خوار و بار برای فروش به مکه آورده، او را از فروش چیزی به بنی هاشم منع می‌کردند و تهدیدش می‌کردند که اگر چیزی به آنها بفروشد، اموالش را غارت خواهند کرد. برای همین هر کسی که وارد مکه می‌شد، جرأت نمی‌کرد چیزی به آنها بفروشد و هر کسی که چیزی به آنها می‌فروخت، اموالش را غارت می‌کردند.<sup>۱</sup>

بیان همه موارد کارشکنی‌های این دو دشمن سرسخت رسول خدا ﷺ مطلب را به درازا خواهند کشاند. بدون شک برخورد پیامبر اکرم ﷺ با این دو نفر در حقیقت پاسخ مناسبی به اقدامات ناروای آنان در مکه بوده است.

### **علل برخورد قاطع و بازدارنده پیامبر ﷺ با یهود بنی قریظه**

یهودیان بنی قریظه سومین گروه از یهودیان مدینه بودند که رسول خدا ﷺ با آنان برخورد کرد.

۱. یوسفی غروی، تاریخ تحقیق اسلام، ج ۲، ص ۶۱-۶۲.

هر چند رسول خدا ﷺ با دو قبیله بنی نضیر و بنی قینقاع برخورد سختی نداشت و آنان را بخشید اما با قبیله بنی قریظه به شدت برخورد کرد و بر اساس نقل منابع تاریخی برخی از افراد این قبیله به قتل رسیدند. البته در دوره‌های اخیر برخی از محققان در این قضیه تشکیک کرده‌اند و دلایلی در رد این قضیه مطرح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

روایتی که درباره آمار کشته شدگان بنی قریظه را غیر معتبر و مجعول دانسته‌اند؛ اما به فرض دیدگاه کسانی که این قضیه را رد کرده‌اند، نپذیریم، پاسخ بر خورد قاطع و بازدارنده این است: به نظر می‌رسد عوامل متعددی سبب شده چنین سرنوشت شومی برای افراد این قبیله رقم بخورد

---

۱. سید جعفر شهیدی چند دلیل در رد این قضیه مطرح کرده است. ۱- شمار کشته گان این قضیه که ششصد، هفتصد، هشتصد و یا نهصد نفر ذکر شده چگونه این افراد در یک روز و توسط یک تن یا دو تن به قتل رسیده‌اند؟ ۲- نهصد مرد بالغ در قومی به طور تقریب چهار هزار یا بیشتر انسان است آیا شمار بنی قریظه به این عدد می‌رسید؟ مگر در آن روزگار در مدینه و اطراف آن چند هزار تن زندگی می‌کردند که تنها چهار هزار نفر در آبادانی‌های بنی قریظه ساکن باشند؟ ۳- در چگونگی کشتن اسیران اختلاف است. ۴- این امر با سیره پیامبر اکرم ﷺ همخوان نیست. ۵- احتمالاً این داستان در دوره‌های بعد و به ضرر انصار (اوسیان) جعل شده است. شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، دوم، ص ۹۵-۹۶ درباره سایر دلایلی که می‌شود در رد این قضیه به آنها استناد کرد، رک: صادقی، مصطفی، پیامبر ﷺ و یهود حجاز، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، اول، ص ۱۶۷ به بعد.

که در ادامه به برخی از مهم ترین عوامل این موضوع اشاره می شود.

### ۱- پیمان شکنی یهود بنی قریظه

بنی قریظه همانند دو قبیله بنی نضیر و بنی قینقاع با رسول خدا ﷺ پیمان عدم تعرض بسته بودند. برخی از منابع به این پیمان مهم اشاره دارند. «علی بن ابراهیم نقل میکند یهود بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع نزد پیامبر آمده گفتند: مردم را به چه چیز فرا میخوانی؟ پیامبر فرمود: به گواهی دادن به توحید و رسالت خودم. من کسی هستم که نامم را در تورات می یابید و علمایتان گفته اند که از مکه ظهور میکنم و به این حَرّه کوچ میکنم... عالمی از شما که از شام آمده بود، گفت:... پیامبری در این حَرّه مبعوث می شود که از مکه ظهور کرده است و به اینجا مهاجرت میکند او آخرین فرستاده خدا و افضل آنان است. بر الاغ سوار می شود... بین شانه هایش مهر نبوت است... یهودیان گفتند: آنچه گفتی شنیدیم. اکنون آمده ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم. تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی. تا ببینیم

کار تو و قومت به کجا میانجامد. پیامبر پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر یا یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، مرکب، نه در پنهانی و نه در آشکار، نه در شب و نه در روز اقدامی انجام دهند و خداوند بر این پیمان گواه است. پس اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد، رسول خدا ﷺ میتواند خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را به غنیمت بگیرد. آنگاه برای هر قبیله، نسخهای جداگانه تنظیم شد. مسئول پیمان بنیضیر «حیی بن اخطب»، مسئول پیمان بنی قریظه «کعب بن اسد» و مسئول پیمان بنی قینقاع «مخیریق» بودند.<sup>۱</sup>

هر چند این پیمان نامه با این طول و تفصیل در منابعی که قبل از دوره طبرسی (م ۵۴۸) نگارش یافته‌اند نیامده، اما یکی از محققان با بررسی منابع متقدم که اشاراتی به این قضیه داشته‌اند، ثابت می‌کند که این پیمان نامه به همین صورت میان پیامبر اکرم ﷺ و یهودیان بسته شده است.<sup>۲</sup>

۱. قال علی بن ابراهیم بن هاشم: و جاءته اليهود - قریظة و النضیر و القینقاع - فقالوا: یا محمد إلی ما تدعو؟... اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. در این باره رک: صادقی، مصطفی، پیامبر ﷺ و یهود حجاز.

منابع تاریخی از پیمان شکنی دو قبیله بنی نضیر و بنی قینقاع هم سخن گفته‌اند. اما به نظر می‌رسد قبیله بنی قریظه در بدترین شرایط پیمان خویش را با رسول خدا ﷺ زیر پا گذاشتند. در منابع آمده است: «حیی بن اخطب» از سران قوم بنی نضیر به همراه گروهی از یهودیان، پس از این که پیامبر آنها را بخشید و به تبعید آنها اکتفا کرد، به مکه رفتند و قریش و سایر قبایل را به لشکر کشی به مدینه فراخواندند و آنها را به سمت مدینه حرکت دادند. ابن هشام و طبری و برخی دیگر از منابع می‌نویسند: گروهی از یهودیان از جمله سلام بن ابی الحقیق، حیی بن اخطب، کنانه بن ربیع، هودّه بن قیس، ابوعمار وائلی به همراه عده‌ای از بنی نضیر و بنی وائل احزاب را علیه رسول خدا ﷺ بسیج کردند و به مکه رفته و قریش را به جنگ با رسول خدا ﷺ فراخواندند و به آنان قول دادند برای نابودی پیامبر تا پایان کار همراه ایشان خواهند بود.<sup>۱</sup>

۱. «ان نفر من اليهود منهم سلام بن ابی الحقیق النضری و حیی بن اخطب النضری، و کنانه بن الربیع بن ابی الحقیق النضری، و هودّه بن قیس الوائلی، و ابوعمار الوائلی، فی نفر من بنی النضیر و نفر من بنی وائل، هم الذین حزبوا الأحزاب علی رسول الله ص، خرجوا حتی قدموا علی قریش بمکه، فدعوهم الی حرب رسول الله ص، و قالوا: انا سنکون معکم علیه حتی نستاصله» ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفة، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۴ و طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۶۵.

وقتی احزاب به نزدیک مدینه رسیدند، حی بن اخطب از آنها جدا شد تا نزد بنی قریظه آمده و آنها را به پیمان شکنی وا دارد. حی بن اخطب نزد «کعب بن اسد» رئیس بنی قریظه رفت و از او خواست تا پیمان خود را با محمد نقض کند. کعب در وهله اول او را به تندی ردّ کرد و گفت: «تو چه مرد بدیمنی هستی! من با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیمانی بسته ام و پیمان شکن نیستم و جز وفاداری و صداقت از او ندیده ام. ولی پس از آن که حی به او طعنه زد و شجاعت او را زیر سوال برد، کعب در را به روی او گشود. آنگاه حی به او گفت: «ای کعب چه فکر می کنی! من عزّت روزگار را برایت آورده ام و دریایی مواج از انسان ها آورده ام. حی آن قدر او را وسوسه کرد تا آنکه کعب در نهایت گفت: من می ترسم محمد کشته نشود و قریش به سرزمین خود باز گردد، تو نیز به سوی خانواده ات بازگردی و من و همراهانم کشته شویم. حی به تورات سوگند یاد کرد که اگر چنین شود او نزد بنی قریظه بماند و به سرنوشت آنان دچار گردد. آنگاه کعب عهدنامه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پاره کرد.<sup>۱</sup>

۱. «...فنقض كعب العهد الذي كان بينه وبين رسول الله صلى الله عليه

پیامبر، «سعد بن معاذ»، «سعد بن عباد»، و «اسید بن حضیر» را فرا خوانده به آنان فرمود: «اطلاع یافته ام که بنی قریظه پیمانی را که میان ما و آنها بوده است، گسسته و حالت جنگ به خود گرفته اند. بروید و ببینید آیا آنچه برای من گزارش آورده اند، حقیقت دارد یا نه؟ آنها به دستور رسول خدا ﷺ پیش کعب بن اسد رفتند و متوجه شدند یهودیان پیمان را شکسته اند. آنها را به خدا قسم دادند که بر سر پیمانی که بسته اند، بمانند و پیش از اینکه کار به جنگ بکشد به وضع سابق برگردند، و به پیشنهاد حیّ بن اخطب عمل نکنند.<sup>۱</sup> کعب بن اسد گفت: «هرگز به آن پیمان باز نمی‌گردیم! من آن را مثل این بند (اشاره به بند کفش خودش) گسسته ام!» سپس به پیامبر فحاشی کرد.<sup>۲</sup>

بنی قریظه علاوه بر نقض پیمان، اقدامات دیگری نیز انجام دادند. و پیمان شکنی خویش را کاملاً آشکار ساختند. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

و سلّم، و دعا حیّ بالکتاب الذی کتب رسول الله صلی الله علیه و سلّم بینهم فشقّه حیّ، و اقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۶.

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۰۶ و و اقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۰۶ و و اقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۸.

۱- یهود بنی‌قریظه تصمیم گرفتند شبانه به مرکز مدینه شبیخون بزنند. به این منظور حیّ بن اخطب را نزد قریش فرستادند تا هزار نفر از آنان و هزار نفر از «غطفان» بیایند و به کمک آنان به مرکز شهر حمله کنند. این خبر به پیامبر رسید و گرفتاری بسیار سخت شد. رسول خدا ﷺ «سلمة بن اسلم» را با دوایست مرد وزید بن حارثه را همراه سیصد نفر برای پاسداری از مدینه اعزام کرد و فرمود تا سپیده دم تکبیر بگویند.<sup>۱</sup>

۲- شبی «نَبّاش بن قیس» از حصار خود، همراه ده نفر از شجاعان یهود بیرون آمد، به امید اینکه بتواند شبیخونی بزند. چون به نزدیکی بقیع رسیدند، با گروهی از مسلمانان که از یاران سلمة بن اسلم بن حریش بودند، برخوردند و پس از ساعتی درگیری و تیراندازی، باز گشتند.<sup>۲</sup>

۳- در موردی دیگر، ده نفر از یهود به فرماندهی «غزّال بن سموئیل» که همگی از بنی‌قریظه بودند، هنگام روز به حصار که زنان داخل آن بودند، حمله

۱. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۶۲.



آوردند، و شروع به نفوذ و تخریب حصار کردند. یکی از یهودیان به در برج رسید و خواست داخل شود. «صفیه» عمه پیامبر ﷺ ابتدا از «حسان بن ثابت» که او نیز همراه زنان داخل حصار بود، درخواست کرد که برود و یهودی را به قتل برساند. اما حسان که فردی ترسو بود، گفت من جان خویش را به اینها عرضه نمیدارم. سپس صفیه جامه بر خود پیچید و چماقی به دست گرفته به سوی آن مرد رفت و چنان ضربت سختی بر او زد که سرش را خرد کرده و او را کشت.<sup>۱</sup> و دیگر یهودیان گریختند.<sup>۲</sup>

ترس مسلمانان در این زمان، حکایت از سختی شرایط دارد. یکی از منافقان می‌گفت: «محمد به ما وعده می‌دهد که خزانه‌های کسری (پادشاه ایران) و قیصر (امپراتور روم) را خواهیم گرفت، ولی اکنون در وضعی دچاریم که هیچ کدام از ما جرئت ندارد حتی برای قضای حاجت از جای خود حرکت کند».<sup>۳</sup> اوضاع به حدی سخت بود که پیامبر به منظور

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۱۱ و طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۶۳.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۰۶ و طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۸.

متفرق کردن دشمن حاضر شده بود یک سوم  
خرمای مدینه را به قبیله «غطفان» بدهد تا برگردند.<sup>۱</sup>

در برخی از آیات قرآن به این شرایط سخت اشاره  
شده است. ﴿إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ  
إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ  
الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا وَإِذْ  
يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ  
رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا  
مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ  
إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾<sup>۲</sup>  
و به یاد داشته باشید هنگامی که از بالا و پائین  
لشکرها به سوی شما حمله کردند و کار را چنان  
بر شما سخت گرفته بودند که دیدگانتان را حیران  
و دل‌ها به گودی گلوی شما رسیده و شما در این  
وقت به خدای متعال گمان هائی داشتید اینجا  
بود که بندگان مؤمن در بوته آزمایش درآمدند و  
شدیدا به لرزه افتادند و نیز متوجه باشید هنگامی  
که منافقان و دل‌سیاهان رنجور می‌گفتند:  
خدا و رسول ما را فریفتند و چون گروهی از آنان

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۰۷ و طبری، تاریخ الطبری، ج ۲،  
ص ۲۳۸.

۲. احزاب، آیات ۱۰-۱۲.

گفتند: «ای مردم مدینه، دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید.» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است» و [لی‌خانه‌هایشان] بی‌حفاظ نبود، [آنان] جزگریز [از جهاد] چیزی نمی‌خواستند.

این آیات و شواهد تاریخی، کاملاً گویای شرایط بسیار سختی است که مسلمانان در این زمان با آن دست و پنجه نرم می‌کردند.

اما سرانجام تدابیر حکیمانه رسول خدا ﷺ در جنگ با احزاب، همیاری مسلمانان، شجاعت علی عليه السلام و در نهایت، امدادهای الهی سبب شکست احزاب و بازگشت آنها شد.<sup>۱</sup>

پیامبر، بلافاصله از طرف خداوند، مامور شد به جنگ با بنی‌قریظه بپردازد.<sup>۲</sup> آن حضرت به مسلمانان دستور داد به سوی آنها حرکت کنند. سرانجام بنی‌قریظه، پس از ۲۵ روز و به قولی ۱۵ روز تسلیم شدند.

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۱۵ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۵.

## ۲- اقدامات ضد امنیتی بنی قریظه

اقدامات نابخردانه بنی قریظه و قبایل یهود در مدینه که گوشه‌هایی از آن بیان شد، مصداق محاربه و بغی به شمار می‌رود چراکه هم مردم را می‌ترساند و هم هدفشان از این کارشکنی‌ها از بین بردن دولت و حکومت اسلامی بود. نقض پیمانها که بنی قریظه و قبایل دیگر یهود داشتند اقدام علیه حکومت بود و مزاحمتها و ارباب که علیه مردم داشتند در مجاورت قلعه‌های خود که گاهی به نوامیس مردم نیز مزاحمت داشتند بنابراین در هر دو صورت اقدام آنان خدشه در امنیت اجتماعی و سیاسی حکومت اسلامی بود. با اینکه در پناه حکومت اسلامی بودند و عهدهایی با پیامبر بعنوان حاکم اسلامی داشتند که همه را نقض نمودند؛ اقدام به ترور شخص رسول خدا و تحریک مردم با اشعار خود علیه مسلمانان و توهین به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مصداقی از جرایم سنگین این قبایل بود؛ بغی به معنای تعدی و تجاوز می‌باشد که می‌توان آن را یکی از جرایم امنیتی دانست. قانونگذاران نسبت به جرم بغی بسیار سختگیر هستند و مجازات سنگینی را

برای آن در نظر گرفته‌اند چرا که آثار وسیعی را در بر می‌گیرند. جرم بغی شباهت بسیاری با محاربه دارد اما تفاوت‌های آشکاری را نیز می‌توان میان این دو جرم مشاهده کرد. در این جرم هدف از بین بردن امنیت عمومی نیست؛ بلکه براندازی مسلحانه یک حکومت مدنظر قرار می‌گیرد. از این رو، افراد با سخت‌ترین مجازات روبرو می‌شوند؛ بغی، محاربه و فساد فی‌الأرض از جمله جرایمی هستند که بر علیه آرامش جامعه و حاکمیت اسلام انجام می‌گیرند. بغی به معنای ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت در آن‌ها و از بین بردن آرامش جامعه است تا بتوانند از این طریق به حاکمیت اسلام صدمه وارد کنند. معمولاً این جرم به صورت گروهی انجام گرفته و مجازات آن نیز اعدام است که همراه داشتن سلاح از جمله شروط انجام عمل بغی شناخته می‌شود. با این حال این جرم تفاوت‌هایی با محاربه و فساد فی‌الأرض دارد؛ یهود به هردوی این اقدام (محاربه و بغی) دست زدند همدستی با مشرکان مکه و تحریک آنان برای حمله به مدینه و توطئه براندازی حکومت اسلامی از اقدامات یهود بود؛ در قرآن کریم، برای محاربان جزای سختی مقرر

شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

سزای کسانی که با [دوستاناران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

### ۳- رضایت سران بنی قریظه به حکم سعد بن معاذ

باید به این نکته توجه داشت که یهود بنی قریظه، می‌توانست با قبول اسلام<sup>۲</sup> مال و جان خویش را حفظ کند.<sup>۳</sup> اما حسادت به پیامبر، لجاجت و نژاد پرستی باعث شد که آنها تنها کشته شدن را انتخاب کنند. «زمانی که پیامبر ﷺ،

۱. مائده، آیه ۳۳.

۲. هر چند به صورت ظاهری.

۳. کما این که چند نفر از آنها اسلام آوردند و نجات یافتند.

بنی قریظه را محاصره کرده بود، کعب بن اسد به آنها گفت: ای یهودیان از این مرد پیروی کنید، به خدا سوگند او پیامبر است. برای شما روشن است که او پیامبر مرسل است و صفات او را در کتاب‌های خود دیده‌اید. او همان کسی است که عیسی عليه السلام مژده ظهورش را داده است و شما نشانی‌های او را می‌دانید. گفتند: آری این هموست، ولی ما از تورات جدا نمی‌شویم»<sup>۱</sup>.

در نقلی دیگر آمده است: «کعب بن اسد گفت: ای بنی قریظه، به خدا سوگند شما می‌دانید که محمد فرستاده خداست، و هیچ چیزی غیر از رشک و حسد ما نسبت به اعراب، مانع ایمان آوردن ما نشد، آن هم به بهانه اینکه چرا این پیامبر از بنی اسرائیل نیست، و حال آنکه نبوت را خداوند به هر که بخواهد عنایت می‌کند. و می‌دانید که من شکستن پیمان و عهد را خوش نداشتم، ولی گویی بلا و نحوست این مردی که اینجا نشسته است (حیی بن اخطب)، بر ما و بر قوم خودش پاپیچ شده است، قوم خودش، از ما بدتر و

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۷۱۷؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۲.

بدبخت‌تر بودند. در هر حال محمد هر کس را که از وی پیروی نکند، باقی نخواهد گذاشت. آیا به خاطر می‌آورید وقتی «ابن خراش» اینجا آمد چه گفت؟ ... گفت: پیامبری در این دهکده ظهور خواهد کرد، اگر هنگام ظهورش من زنده باشم، حتما از او پیروی و او را یاری خواهم کرد، و اگر بعد از مرگ من ظهور کرد بر شما باد که از او کناره‌گیری نکنید، بلکه حتما او را پیروی کنید و یاران و مددکاران او باشید، در آن صورت به هر دو کتاب اول و آخر ایمان آورده‌اید. کعب گفت: بیا بید از او پیروی کرده و تصدیقش کنیم و به او ایمان آوریم، تا در نتیجه بر جان و مال و زن و فرزند خود تأمین پیدا کنیم، و هم در حکم همراهان و پیروان او باشیم. گفتند: ما پیرو کس دیگری غیر از خود نیستیم، پیامبری و کتاب از درون ما بوده، پس آیا می‌توانیم تابع غیر خود باشیم؟ کعب همچنان پاسخ آنها را می‌داد و ایشان را نصیحت می‌کرد، اما آنها گفتند ما هرگز از تورات و آیین یهودی خود دست بردار نیستیم!<sup>۱</sup>

این گفتگوی مفصل، کاملاً نشان می‌دهد حقانیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر یهودیان ثابت شده بود

۱. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۲.



و آنان در این شرایط می‌توانستند اسلام بیاورند و جان و مال خویش را نجات دهند اما گویی لجاجت، مانعی جدی در این راه بود.

در منابع آمده است که برخی از یهودیان اسلام آورده و خود را نجات دادند. «عمرو بن سعد گفت: «ای یهودیان شما با محمد پیمان بسته اید که کسی را بر علیه او یاری نکنید... شما این پیمان را شکستید. من با شما نیستم و در این پیمان شکنی شرکت نمیکنم. من از شما برائت می‌جویم.»<sup>۱</sup> سپس نزد پیامبر آمد و مسلمان شد.»<sup>۲</sup>

منابع به اسلام آوردن افرادی دیگر نیز اشاره کرده‌اند. آنها با اسلام خویش، جان و مال خویش را حفظ کردند. «شبی که فردای آن حصارهای بنی‌قریظه فتح شد، ثعلبة و اسید پسران سعیه و اسد بن عبید که هر سه جوان هم بودند، به یهودیان گفتند به خدا سوگند این پیامبر است و همان مردی است که «ابن هبیان» برای ما می‌گفت، از خدای بترسید و او را پیروی کنید. گفتند: این او

۱. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۵۰۳-۵۰۴ و ابن حجر عسقلانی، الاصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ج اول، ج ۴، ص ۵۲۵.

۲. ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۵۲۵.

نیست. گفتند: به خدا سوگند که این همان است  
و خودشان سه نفر از حصار به زیر آمدند و اسلام  
آوردند و قوم ایشان، از مسلمان شدن خودداری  
کردند.»<sup>۱</sup>

بنابراین با توجه به تمامی جوانب این موضوع  
به نظر می‌رسد رفتار رسول خدا ﷺ با یهودیان بنی  
قریظه رفتاری غیر منطقی و ناعادلانه نبوده است.

---

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۶۱ و طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۴۸  
و ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۰.

# الگوی رفتاری امام علی علیه السلام با اسیران جنگی

امیر مومنان علی علیه السلام حساسیت فوق العاده‌ای نسبت به حرمت خون افراد داشت و بارها قبح این عمل را گوشزد فرموده بود. در نامه آن حضرت به مالک اشتر که به عنوان حاکم مصر اعزام شده بود، حضرت با بیانی رسا و قاطع بزرگ‌ترین گناه را خون‌ریزی به ناحق می‌داند. آن حضرت در این نامه به پیامدهای منفی خون‌ریزی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اعتقادی اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که مبادا بخواهی پایه‌های قدرت و حکومت خود را با ریختن خون محکم کنی که ریختن خون به ناحق، خود موجب تضعیف و تزلزل قدرت و حکومت می‌شود. سپس آن حضرت به بزرگ‌ترین و وفادارترین یار و یاور خویش؛ مالک اشتر فرمود: اگر کسی را بنا

حق کشتی، پیش من و خدا عذری نداری و باید قصاص شوی.<sup>۱</sup>

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ با اسرابی که کسی را در جنگ نکشته بودند، برخوردی کریمانه داشت. بر اساس برخی از روایات آن حضرت با منت گذاشتن بر اهل بصره از قتل آنها خودداری کرده است.<sup>۲</sup>

آن حضرت در پاسخ یکی از یارانش در خصوص نحوه برخورد با اسیران فرمود: «بِأَمْنٍ كَمَا سَارَ رَسُولُ اللَّهِ فِي أَهْلِ مَكَّةَ.»<sup>۳</sup> باید با منت نهادن، آزاد شوند، همان گونه که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد اهل مکه این کار را انجام داد.<sup>۴</sup>

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ معتقد بود که اسیر گرفتن زن و فرزندان حاضران در جمل و تصرف اموال آنان صحیح نیست<sup>۵</sup> چرا که آنها مسلمانند و در سرزمین

۱. «إِيَّاكَ وَالْإِيمَاءَ وَسَفْكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمَةٍ وَلَا أَعْظَمَ لِنَبِيَّةٍ وَلَا أُخْرَى بِرِوَالِ نِعْمَةٍ وَأَنْقِطَاعِ مُدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الْإِيمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا... وَ لَا عُدْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمْدِ...» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. «ان علیا عَلَيْهِ السَّلَامُ انما من علیهم کما من رسول الله علی اهل مکة» شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۵۸.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۸.

۴. اشاره به فتح مکه و بخشیده شدن قریش توسط رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.  
 ۵. «ولا تاخذوا شیئا من اموالهم الا ما وجدتم فی عسکرهم.» طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۱ و تجارب الامم، ج ۱، ص ۵۱۸ در الفتوح آمده: لا تاخذوا من اموالهم شیئا الا ما اصتموه فی عسکرهم» کوفی، احمد بن اعثم،

مسلمانان زندگی می‌کنند. «در جنگ جمل عمار به امیرالمومنین علیه السلام گفت: عقیده شما در مورد اسیر گرفتن زن و فرزندان اینان چیست؟ فرمود: هیچ راهی بر آن نیست. ما فقط با کسانی که با ما جنگ کرده‌اند، جنگ کردیم... یکی دیگر از یارانش گفت: باید از زنان و فرزندان ایشان و اموال آنها هم میان ما تقسیم کنی و گرنه به چه دلیل ریختن خون ایشان حلال باشد...؟

آن حضرت بعد از جنگ جمل دستور داده بود: «لا تَتَّبِعُوا مَوْلِيَا وَلَا تَجْهَرُوا عَلٰى جَرِيحٍ وَلَا تَنْتَهَبُوا مَالًا وَ مَنْ الْقِي سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَ مَنْ اَغْلَقَ بَابَهُ فَهُوَ آمِنٌ»<sup>۱</sup> فراری را نکشید و مجروحی را به قتل نرسانید، مالی را غارت نکنید، هرکه اسلحه اش را ببندد، در امان است، هر کس در خانه اش را بر خود ببندد، در امان است. حضرت فرمود: بر این زنان و فرزندان هیچ راهی نیست، چرا که آنان مسلمانند و در سرزمین مسلمانانند. ما فقط کسانی را که با ما جنگ کرده‌اند و کسانی که بر ما ستم کرده‌اند کشته ایم»<sup>۲</sup>.

الفتوح، بیروت، دارالاضواء ۱۴۱۱ق، ج اول، ۳، ص ۳۲.

۱. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۸۷.

۲. مفید، الجمل، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۳.

حضرت علی علیه السلام اموال مردم را در بصره به آنها باز می‌گرداند. شخصی به آن حضرت عرض کرد: یا امیرالمومنین «اقسم الفیء بیننا، والسبی» غنایم و اسیران را بین ما قسمت کن. وقتی سخت گیری در این خصوص بر علی علیه السلام زیاد شد، حضرت فرمود: «اَیُّکُمْ یَاخُذُ ام المومنین فی سهمه؟» چه کسی عایشه را به عنوان سهم غنیمتش می‌گیرد؟ پس ساکت شدند و پذیرفتند.<sup>۱</sup>

دینوری می‌نویسد: «یاران علی علیه السلام در اردوگاه آنان (اهل جمل) بر سیم و زر و کالاهای دیگر می‌گذشتند و بر نمی‌داشتند و فقط سلاح و مرکبی را که در جنگ به کار برده بودند، تصرف می‌کردند. یکی از یاران علی علیه السلام به او گفت: ای امیرالمومنین چگونه کشتن ایشان برای ما جایز است ولی اموال و اسیر گرفتن آنان بر ما ناروا و حرام است؟ حضرت فرمود: یکتا پرستان را نمی‌توان به اسارت گرفت. و اموال ایشان را نمی‌توان به غنیمت برد. فقط آنچه در جنگ به کار برده‌اند می‌توان تصرف کرد، آنچه را که نمی‌دانید رها کنید و به آن چه فرمان داده می‌شوید، عمل کنید.»<sup>۲</sup>

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۱.

۲. «کیف حل لنا قتالهم و لم یحل لنا سببهم و اموالهم؟ فقال علی رضی

شکی نیست که اصحاب جمل و صفین و نهروان مصداق بارز «اهل بغی» شمرده می‌شوند. دستور قرآن کریم در خصوص اهل بغی (ستمکاران)، جنگ با ایشان است. ﴿فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> بنا براین جنگ با آنها دستور قرآنی است که علی عَلَيْهِ السَّلَام به آن دستور عمل کرده است. اما این که علی عَلَيْهِ السَّلَام معتقد است: اموال ایشان (به جز اموالی که در جنگ از آنها استفاده شده) را نمی‌توان تصرف کرد، نشان می‌دهد که آن حضرت به شدت پایبند به احکام اسلام است. و هرگز حاضر نیست ذره‌ای ستم نسبت به دیگران، هر چند دشمن باشند، روا دارد.

در خصوص اهل جمل، اختلافی وجود ندارد که همه اسرای جمل آزاد شدند و مجروحان و فراریان آنها کشته نمی‌شدند. در مورد جنگ صفین نیز گزارش شده در برخی از منابع تاریخی که همه اسیران آزاد شدند.

«یزید بن بلال» می‌گوید: «به همراه علی عَلَيْهِ السَّلَام

---

الله عنه ليس علي الموحدين سبي ولا يغنم من اموالهم الا ما قاتلوه و عليه...». ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۸۸.

۱. حجرات، ۹.

در صفین حضور داشتیم وقتی اسیری را نزد او می‌آوردند، می‌فرمود: تو را به زجر نمی‌کشم به درستی از خداوند جهانیان می‌ترسم. سپس سلاح وی را می‌گرفت و او را سوگند می‌داد که دیگر پیکار نکند و او را آزاد می‌ساخت.»<sup>۱</sup>

در برخی از منابع آمده است: «علی علیه السلام در جنگ صفین اسیرانی را گرفتار کرد ولی همگی آنها را آزاد فرمودند که نزد معاویه بازگشتند. عمروعاص پیشتر از این، درباره اسیرانی که به اسارت معاویه درآمده بودند گفته بود: ایشان را بکش. ولی وقتی معلوم شد که علی علیه السلام با اسیران ایشان چه رفتاری نمود، معاویه به عمروعاص گفت: اگر درباره این اسیران گوش به تو دهم، به کار زشت و ناشایستی دست زده باشم. آیا نمی‌بینی که او اسیران ما را آزاد کرده است؟ از این رو معاویه نیز دستور آزادی تمام کسانی را که از سپاه علی علیه السلام به اسارت گرفته بود، صادر کرد.»<sup>۲</sup>

---

۱. «وقد كان علي عليه السلام اذا اخذ اسيرا من اهل الشام خلي سبيله، الا ان يكون قد قتل من اصحابه احداً فيقتله به، فاذا خلي سبيله فان عاد الثانيه قتل و لم يخل سبيله.» ميرزا حسين نوري، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۵۰ و المتقي الهندي، بيروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۳۴۵ در برخی از روایات نیز آمده است که حضرت علی علیه السلام چارپا و سلاح اسیران را می‌گرفت و از آنها پیمان می‌گرفت که باز نگردند سپس آنها را آزاد می‌کرد. همان، ص ۳۴۵.

۲. طبري، تاريخ الطبري، ج ۶، ص ۲۵۷۲.



ابن اثیر می‌نویسد: «حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین دست به ابتکاراتی زد که دوست و دشمن را شیفته خود ساخت. یکی از آنها، آزاد کردن اسیران شامی بود که معاویه نیز ناچار شد، اسرای کوفی را بازگرداند.»<sup>۱</sup>

نصر بن مزاحم در خصوص رفتار علی علیه السلام با اسرای شامی در جنگ صفین می‌نویسد: علی علیه السلام چون از سپاه شام اسیری می‌گرفت او را آزاد می‌کرد مگر این که آن اسیر یکی از یاران وی را کشته بود که در این صورت وی را به قصاص می‌کشت. اما اسیری را که آزاد کرده بود و او دیگر بار به معاویه پیوسته بود و مجدداً به میدان آمده بود و گرفتار شده بود آزاد نمی‌کرد و می‌کشت.»<sup>۲</sup> گزارشات متعدد حاکی از آزادی اسیران دارد؛ بنابراین رفتار حضرت با اسیران آنگونه که شبهه نموده‌اند نیست، بلکه همه را آزاد نموده است.

---

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲. منقري، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، ترجمه پرویز اتابكي تهران، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامي، ۱۳۷۰ش، چ دوم ص ۷۱۹.

## بررسی گزارش دستوراقدام ۲۵۰۰ نفر از سوی امام علی علیه السلام

در بخشی از مطالبی که به منظور تایید اقدامات ناروای داعش بیان شده، به نقل از مروج الذهب مسعودی به این مطلب اشاره شده که امام علی علیه السلام در یک روز ۲۵۰۰ نفر از خاندان (ازد) را سربريد به گونه‌ای که کسی نماند دیگری را دلداری دهد!

مطلبی که به آن استناد شده در مروج الذهب به این صورت آمده است: «به ابی لبید جهضمی که از قوم ازد بود، گفتند: «علی را دوست داری؟» گفت «چگونه کسی را که در يك قسمت روز دو هزار و پانصد کس از قوم مرا کشته است دوست داشته باشم؟ آنقدر از مردم کشت که کسی نبود کسی را تسلیت گوید و هر خاندانی به کشتگان خود مشغول بود.»<sup>۱</sup>

سوالی که در این جا مطرح است این است:  
این دوهزار و پانصد نفر چرا و در چه زمانی کشته

۱. «و قیل لأبی لبید الجهضمي من الأزد: أتحب علیاً؟ قال: وكيف أحب رجلاً قتل من قومي في بعض يوم ألفین و خمسمائة، و قتل من الناس حتی لم یکن أحد یعزي احداً، و اشتغل أهل کل بیت بمن لهم؟» مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ دوم، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۷۲.

شده‌اند؟ و سوال دیگر این است: ابی لبید جهضمی کیست؟ و آیا سخن او قابل پذیرش است؟

توجه به تاریخ مسعودی نشان می‌دهد این کشتار مربوط به جنگ جمل است چرا که این مطلب ذیل مبحثی مطرح شده که مسعودی درباره جنگ جمل آورده و بلافاصله پس از این مطلب در همین کتاب آمده است: «علی علیه السلام حکومت بصره را به عبد الله بن عباس داد و سوی کوفه رفت.»<sup>۱</sup> بنابراین این شکی نیست که قتل ۲۵۰۰ نفر از قبیله ازد (به فرض صحت) مربوط به جنگ جمل است.

بنابراین سخن ابی لبید جهضمی در واقع اشاره به کشته شدن این افراد در جنگ جمل است. پس اگر کسی بخواهد ایراد بگیرد، بایستی به جنگ جمل ایراد بگیرد که چرا چنین جنگی واقع شده و چه کسانی در راه‌اندازی این نبرد مقصر بودند؟ و چرا این افراد در این جنگ کشته شدند.

کسی که این مطلب را از مروج الذهب مسعودی نقل کرده، به گونه‌ای مطلب را بیان می‌کند

۱. «وولی علی بن البصرة عبد الله بن عباس، وسار إلى الكوفة»، مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۲.

که خواننده تصور می‌کند که در یک روزی - که هیچ ارتباطی هم با جنگ‌های حضرت علی علیه السلام نداشته - امام علی علیه السلام ۲۵۰۰ نفر از افراد یک قبیله را که احتمالاً بیگناه هم بوده‌اند سر بریده است! در حالی که (همان گونه که بیان شد) قضیه، اصلاً به این صورت درست نیست.

ادعای «سر بریدن» آنها توسط امام علی علیه السلام از آن سخنان و ادعاهای گمراه‌کننده است. در عبارت مسعودی واژه «قتل من قومی» به کار رفته است. سوالی که در این جا مطرح است این است: چرا «قتل» در این عبارت، به سر بریدن ترجمه شده است؟! چه کسی گفته قتل، یعنی سربریدن؟!

اگر گشته شدن آنان در جنگ بصره یعنی سر بریدن آنان! پس یاران امام علی علیه السلام نیز که در این جنگ توسط اصحاب جمل کشته شده‌اند نیز سربریده شده‌اند!

سخنی که در این جا به ذهن می‌رسد این است که این گونه ادعاها در حقیقت به منظور تخریب شخصیت امام علی علیه السلام و خشن جلوه دادن آن امام و یا به منظور توجیه رفتارهای خشونت آمیز

گروه داعش و سایر گروه‌های افراطی بیان می‌شود. به منظور آشکار کردن مقصران اصلی جنگ جمل، شاید نیاز باشد که همه حوادث جنگ جمل را از ابتدا تا انتها در این مجال ممکن نیست بلکه به اختصار بیان می‌شود و مطالعه تفصیلی به کتاب الجمل شیخ مفید ارجاع می‌شود.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت: بدون شک در جنگ جمل طلحه، زبیر و عایشه از مقصران اصلی محسوب می‌شوند. اصحاب جمل یا همان ناکثین در حقیقت مصداق افراد باغی (ستمکار) ی بودند<sup>۱</sup> که قرآن کریم دستور برخورد با آنان را صادر کرده است.<sup>۲</sup>

طلحه و زبیر علی رغم بیعتی که با امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داشتند این بیعت را شکسته و به مکه رفتند.<sup>۳</sup> آن دو، عایشه؛ همسر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فریب داده با

---

۱. آن حضرت بر اساس نقلی احتمالاً با استناد به آیه ۹ سوره حجرات آنان را فئه باغیه (گروه ستمکار) خواند. «وَإِنَّهَا لَلْبَاغِيَةُ» آنها گروهی سرکش و ستمگرند. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷، ص ۱۹۴.

۲. «فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» الحجرات، ۹.

۳. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز خود در تعبیری به پیمان شکنی آنان اشاره کرده است. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فلما نهضت بالامر نكثت طائفة... «طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۴».

خویش همراه ساختند<sup>۱</sup> و با عده‌ای از اهالی مکه و در راس آنان بنی امیه به منظور خون خواهی از عثمان<sup>۲</sup> و در حقیقت به منظور دست یابی به قدرت روانه بصره شدند.<sup>۳</sup> آنان در بصره تعدادی از شیعیان حضرت را به قتل رساندند<sup>۴</sup> و به زور، بصره تصرف کردند. امام علی علیه السلام به ورود آنان به بصره و کشتار مسلمانان توسط آنان و انجام کارهای ناشایست توسط ایشان اشاره دارد.<sup>۵</sup>

امام علی علیه السلام به منظور پایان دادن به این غائله،

۱. امام علی علیه السلام به فریب دادن عایشه توسط طلحه و زبیر و همراه سازی او با خویش اشاره دارد. «فسارا إلى مكة و استخفا عائشة و خدعها» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق ج، ۱، ص ۳۱۰.

۲. این در حالی است که در قتل عثمان طلحه و زبیر از مقصران اصلی بودند و به همین جهت مروان بن حکم طلحه را در پایان نبرد جمل که طلحه می‌خواست فرار کند با تیری کشت و گفت اکنون انتقام خون عثمان را گرفتم. وی بعدها به این کار خویش افتخار می‌کرد و یک بار برای امام سجاد علیه السلام آن را بیان کرد. «لَمَّا رَأَيْتُ النَّاسَ يَوْمَ الْجَمَلِ قَدِ انْكَشَفُوا قُلْتُ: وَ اللَّهُ لَأُذْرِكَنَّ نَارِي وَ لَأَفُوزَنَّ بِهِ الْآنَ فَرَمَيْتُ طَلْحَةَ فَأَصْبَتْ نِسَاءَ فَجَعَلَ الدَّمُ لَا يَزِقُّا فَرَمَيْتُ ثَانِيَةً فَجَاءَتْ بِهِ فَأَخَذُوهُ حَتَّى وَصَعُوهُ تَحْتَ شَجَرَةٍ فَبَقِيَ تَحْتَهَا يُنْزَفُ الدَّمُ حَتَّى مَاتَ» مفید، الجمل، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۸۳.

۳. «و شخص معهما أبناء الطلقاء» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج، ۱، ص ۳۱۰.

۴. در هنگام تصرف دارالاماره توسط ناکثین ۴۰ و به قولی ۷۰ نفر ز یاران عثمان بن حنیف به شهادت رسیدند. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۸۵، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۱.

۵. «فقدموا البصرة فقتلوا بها المسلمین و فعلوا المنکر» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱۰.

از مدینه به بصره آمد. حضرت قبل از آغاز جنگ، تلاش بسیار زیادی جهت بازگرداندن طلحه و زبیر و عایشه از مسیری که در پیش گرفته بودند انجام داد.<sup>۱</sup> حضرت با طلحه و زبیر و عایشه صحبت کرد و این اقدام آنان را نادرست و ظالمانه خواند. آن حضرت در گفت و گو با زبیر حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاد او آورد که سبب کناره گیری زبیر از جنگ شد.<sup>۲</sup>

سرانجام جنگ میان سپاهیان امام علی عليه السلام و اصحاب جمل درگرفت، در این نبرد افراد زیادی کشته شدند و امام علی عليه السلام به منظور خاتمه دادن جنگ دستور داد شتر عایشه پی شود.<sup>۳</sup> با سقوط هودج عایشه این جنگ به پایان رسید.

یکی از شواهدی که می تواند موید مقصر بودن اصحاب جمل باشد این است که عایشه بعدها به خاطر شرکت در این جنگ خود را سرزنش می کرد

---

۱. «ثم كتب إلى طلحة و الزبير: أما بعد، فقد علمتما أنني لم أرد الناس حتى أراذوني...» دینوری، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۹۰.

۲. زبیر با کناره گیری از این جنگ توسط عمرو بن جرموز در وادی سباع به قتل رسید. قتله رجل من بني تمیم یقال له عمرو بن جرموز قتله غدرا بمكان یقال له وادي السباع» عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، ج اول، ج ۲، ص ۴۶۰.

۳. «اعقروا الجمل» بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۴۸ «اعقروا الجمل، فانه ان عقر تفرقوا» طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۱۹ «ویلکم اعقروا الجمل فإنه شیطان- ثم قال اعقروه و إلا فنیت العرب» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵۳.

و از این که برخلاف دستور الهی از خانه اش خارج شده و در راه اندازی این جنگ نقش داشته، به شدت پشیمان بود.<sup>۱</sup> عایشه وقتی آیه «و قرن فی بیوتکن»<sup>۲</sup> را می شنید به شدت گریه می کرد.<sup>۳</sup>

با توجه به مطالبی که بیان شد، مقصر اصلی در کشته شدن کسانی که در نبرد کشته شدند، کیست؟ آیا اگر دو هزار و پانصد نفر از قبیله ازد و هزاران نفر دیگر از سایر قبایل کشته شوند، امام علی علیه السلام مقصر است یا کسانی که این جنگ را راه انداختند و با قتل و غارت، موجبات ناامنی و هرج و مرج را در جامعه اسلامی پدید آوردند؟! وقتی ابوبرده بن عوف از دی از علت کشته شدن اطرافیان طلحه و زبیر و عایشه پرسید، امام علی علیه السلام به کشته شدن ظالمانه یاران خویش از جمله ربیعہ عبدی و عده‌ای دیگر که حاضر به شکستن بیعت خویش نبودند توسط آنان، خودداری از تحویل قاتلان و عدم پذیرش قرآن به عنوان حاکم و جنگ با حضرت

۱. اومی گفت شرکت نکردن من در جنگ حمل برای من بهتر از آن بود که ده فرزند پسر از پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشم. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۶ و ابن اعثم، الفتوح، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. الأحزاب: ۳۳.

۳. «بکت حتی تبل خمارها» ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۶۴.



در حالی که قبلاً بیعت کرده بودند، اشاره کرد به گونه‌ای که ابوبرده کاملاً متقاعد شد.<sup>۱</sup>

سوال دیگری که در این جا مطرح است این است: امام علی عليه السلام در برابر این اقدام اصحاب جمل چه کاری می‌توانست انجام دهد آیا آن حضرت می‌بایست سکوت کند تا آنان از روی ظلم و ستم، حکومت عدالت محور آن حضرت را سرنگون کنند؟

در پایان این بخش درباره کسی که ادعای کشته شدن ۲۵۰۰ نفر از قبیله ازد را مطرح کرده می‌توان گفت: نام این فرد «لمازه بن زبّار»، معروف به ابولبید جهمی است. وی از اهالی بصره است.<sup>۲</sup> همان شهری که به دشمنی با امام علی عليه السلام، طرفداری از عثمان و گرایش به وی مشهور بودند. ابولبید کسی است که در جنگ جمل در نبرد با امام علی عليه السلام حضور داشته

۱. قتلوا بما قتلوا شیعتی و عمالی - و قتلوا أواخر بیعة العبدی فی عصابة من المسلمین - قالوا إنا لا نکتک کما نکتکم و لا نغدر کما غدرتم - فوثبوا علیهم فقتلواهم - فسألتمهم أن یدفعوا إلی قتلہ إخوانی أقتلهم بهم - ثم کتاب الله حکم بینی و بینهم فأبوا علی - و قاتلونی و فی أعناقهم بیعتی - و دماء قریب من ألف رجل من شیعتی فقتلتهم - أفي شك أنت من ذلك - فقال قد كنت في شك فأما الآن فقد عرفت - و استبان لي خطأ القوم - و أنك المهتدي المصیب «ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲. ابولبید الجهمی البصری. ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق، ج دوم، ج ۶، ص ۵۳۸.

و با آن حضرت جنگیده است.<sup>۱</sup> با این اوصاف به نظر می‌رسد سخن ابولبید از سر تعصب و قبیله‌گرایی بیان شده است و به فرض هم که مورد پذیرش قرار گیرد، نمی‌تواند مستندی برای گروه داعش و سایر گروه‌های افراطی درست کند و نمی‌تواند ایرادی بر امام علی علیه السلام وارد کند. چرا که این افراد در جنگ جمل که دو سپاه با هم درگیر بودند، کشته شده‌اند، همان‌گونه که از یاران امام علی علیه السلام نیز افراد زیادی در این جنگ کشته شدند.

کسانی که به امام علی علیه السلام و یا به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایراد گرفته‌اند و یا همانند گروه‌های تکفیری ای چون داعش از برخی از قتل‌های این دوره سوء استفاده کرده‌اند و برداشت نادرستی داشته‌اند، صرفاً به خشونت‌ها استناد می‌کنند. اینان هیچ‌گاه به مواردی که آن بزرگواران دیگران را مورد عفو و بخشش قرار داده‌اند، اشاره ندارند. یک نمونه اش همین جنگ جمل است که امام علی علیه السلام همه کسانی که از جنگ نجات یافته بودند و اسیر شده بودند از جمله مروان بن حکم، عبدالله بن زبیر، عایشه، فرزندان عثمان و... را بخشید.

۱. «قاتل علیایوم الجمل» ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۵۳۸.

## بررسی گزارش فرمان شبیخون به سربازان معاویه در ليله الهرير

در بخشی از سخنان این نویسندگان به این مطلب اشاره شده که علی علیه السلام در ليله الهرير پانصد تا نهصد نفر را به قتل رساند.

ليله الهرير یکی از شب‌های پایانی جنگ صفین است. امام علی علیه السلام به منظور پایان دادن به این نبرد و سرکوب معاویه، در این شب حملات سختی علیه آنان ترتیب داد. طبیعی است که در این حمله‌ی سخت، افرادی از لشکر دشمن به قتل برسند<sup>۱</sup> همان‌گونه که یاران امام علی علیه السلام نیز در این شب و در سایر درگیری‌ها در صفین به شهادت می‌رسیدند. با پیکار شجاعانه امام علی علیه السلام و یارانش بود که معاویه شکست را در یک قدمی خویش دید و به همین جهت دست به دامن عمروعاص شد.<sup>۲</sup>

مشخص نیست که نبرد امام علی علیه السلام با معاویه

۱. «فكان جملة من قتل علي بكفه في يومه و ليلته خمسمائة و ثلاثة و عشرين رجلاً أكثرهم في اليوم، و ذلك أنه كان إذا قتل رجلاً كبيراً إذا ضرب، و لم يكن يضرب إلا قتل» مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. «وقال معاوية: هلم مخباتك يا ابن العاص فقد هلكنا، و تذكر ولاية مصر، فقال عمرو: أيها الناس، من كان معه مصحف فليرفعه على رحمة، فكثر في الجيش رفع المصاحف» مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۸۳.

و یارانش در این شب چه ایرادی دارد که مورد استناد و اعتراض قرار گرفته است؟! اگر کسی بخواهد بر لیله الهریر ایراد بگیرد در حقیقت بر اصل جنگ صفین ایراد گرفته است. و بدون شک امام علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این نبرد نیز همانند نبرد جمل برحق بوده است.

### حقیقت‌یابی ماجرای ارتداد پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

این نویسندگان در علت قتل کسانی که پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرتد شدند و به تعبیری از اسلام بازگشتند، می‌نویسند «آنان به خاطر شادی از رحلت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کشته شدند و علی عَلِيٌّ و خالد همه آنان را کشتند و اجسادشان را سوزاندند!» این نویسندگان در تایید این مطلب به طبری آدرس داده‌اند.

در پاسخ به این ادعا باید گفت اولاً: هیچ منبع تاریخی علت برخورد با مرتدان را شادی کردن آنان به جهت رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندانسته است. در واقع باید گفت علت برخورد با آنان همان ارتدادشان بوده است. ثانیاً: هیچ منبع تاریخی و غیر تاریخی به حضور امام علی عَلِيٌّ در این جنگ‌ها اشاره‌ای نکرده است. سوزاندن اجساد مرتدان نیز

ادعایی است که توسط هیچ کس جز همین‌ها که می‌خواهند مسلمانان را خشن معرفی کنند و جز گروه‌های تکفیری که می‌خواهند مستندی برای اعمال جنایت کارانه خویش بیان کنند، مطرح نشده است.

در بخشی از ادعاهای کسانی که تلاش دارند خشونت‌های داعش را توجیه کنند و کسانی که می‌خواهند شخصیت امام علی علیه السلام را زیر سوال ببرند، آمده است: «امام علی علیه السلام خوارج را که به استبداد وی معترض بودند به قتل رساند!».

این ادعا به قدری بی پایه و اساس است که شاید نیازی به پاسخ نداشته باشد. آیا علت برخورد امام علی علیه السلام با خوارج بدین جهت بوده که آنان به استبداد حضرت معترض بودند یا اقدامات ناروای آنان سبب برخورد امام علی علیه السلام با خوارج شد؟

برخلاف دیدگاه این افراد باید بگوییم استبداد و خودرایی که در این جا مطرح شده در واقع از جانب خوارج است. خوارج مدعی بودند امام علی علیه السلام و همه کسانی که به حکمیت راضی شده‌اند، کافرند و

باید از این گناه خویش توبه کنند.<sup>۱</sup> بسیاری از آنان تا پایان (که با آنان جنگ شد و کشته شدند) بر همین عقیده خویش ماندند و خود رایی خویش را اثبات کردند.

چرا باید امام علی عليه السلام را متهم به خود رایی کنیم در حالی که آن حضرت چون اصل حکمیت را نادرست نمی دانست حاضر به توبه از آن نشد.<sup>۲</sup> اگر توبه نکردن از امری که اسلام آن را اجازه داده (اصل حکمیت)، استبداد باشد، بله امام علی عليه السلام مستبد است!

بررسی منابع نشان می دهد علت اصلی برخورد امام علی عليه السلام با خوارج، در حقیقت همان ناامنی و هرج و مرجی است که آنها در جامعه ایجاد کردند.

۱. خوارج با استناد به آیه «وَمَنْ لَّمْ يَخُجْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» تمامی کسانی که حکمیت را پذیرفتند و به دنبال آن هر کس که امام علی عليه السلام را کافر نمی دانست کافر تلقی می کردند و از آیه «رَبِّ لَا تَذَرُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَارًا» که دعای حضرت نوح عليه السلام بود، به کشتن زنان و فرزندان مخالفان خود حکم می کردند. و قتلوا النساء والأطفال و فقروا بطون الحوامل، و تأولوا في ذلك قول الله عز وجل: «رَبِّ لَا تَذَرُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذِيَارًا إِنَّكَ إِنَّ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» و قوله «وَمَنْ لَّمْ يَخُجْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» ناشی اکبر، مسائل الإمامة، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶، اول، ص ۱۸۱.

۲. «... فأي علي أن يرجع وأبت الخوارج إلا تضليل التحكيم و الطعن فيه و برئت من علي ع و برئ منهم» منقري، نصر بن مزاحم، وقعه صفين، تحقيق عبد السلام محمد هارون، قاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، الطبعة الثانية، ۱۳۸۲، ص ۵۱۳-۵۱۴.

آنان در ابتدا صرفاً به بیان ایرادات خویش به آن حضرت پرداختند و در مرحله بعد شروع به ایجاد ناامنی در جامعه کردند.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام که خطر آنان را احساس کرده بود، ابتدا تلاش زیادی انجام داد تا آنان را به اشتباه خویش واقف کند، اما خوارچ بر روش نادرست خویش اصرار ورزیدند و چوب جهالت و نابخردی خویش را خوردند؛ شروع کننده جنگ جمل و مقصران اصلی آنان بودند که مردم را پیرامون شتر عایشه جمع نمودند و از نمادی مقدس سازی نموده و مردم را اغفال نمودند و در روز جمل نیز حضرت تاکید فرمود هرگز شما جنگ را آغاز نکنید و هیچ حرکتی از سوی شما آغاز نشود؛ افزون بر آن ابن عباس را فرستاد با آنان سخن گفته و آنان را از جنگ منصرف نماید و هرچاره و تدبیری بود انجام داد تا از جنگ پرهیز شود که متأسفانه فایده بخش نبود.

۱. آنان با تاویل آیه «رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَي الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» که دعای حضرت نوح علیه السلام بود، به کشتن زنان و فرزندانش مخالفان خود حکم می‌کردند. «و قتلوا النساء والأطفال و فقرؤا بطون الحوامل، و تأولوا في ذلك قول الله عز وجل: «رَبِّ لَا تَذَرُ...» ناشی اکبر، مسائل الإمامة، ص ۱۸۱.





# تفاوت ماهوی جنگ‌های رسول خدا ﷺ با رفتار داعش

ذکر این نکته لازم است که با جنگ‌های زمان رسول الله ﷺ و فتنه تکفیری‌ها که نام آنرا جهاد گذاشته‌اند تفاوت ماهوی بین این دو رویداد هست چراکه آنچه زمان رسول الله واقع شده جهادی دفاعی است به اذن خداوند علیه مشرکین و کفار که در حق پیامبر ﷺ و مسلمانان انواع ظلمها را مرتکب شده و به قتل و کشتار آنان اقدام نموده‌اند و پیامبر را از دیار و خانه خود بیرون نموده‌اند و مسلمانان دیگر نیز تحت ظلم مشرکین از مکه بیرون رفتند و مشرکان اموال و خانه دارائی آنان را تصاحب و غص نموده‌اند؛ افزون بر آن پیامبر بعد از هجرت نیز از تعدی مشرکان

در امان نماند ، مشرکان اقدام به تعدی به حریم پیامبر نموده و مکرر به قصد کشتار مسلمانان و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به شهر مدینه لشکر کشی کردند و پیامبر و مسلمانان برای دفاع از خود به مقابله با آنان رفتند؛ در این راستا جنگ خندق یا احزاب که همدستی یهودیان نیز در این جنگ با کفار و مشرکان نمایان بود؛ همچنین جنگ خندق و بدر و احد سه جنگی است که در حریم و نزدیکی مدینه محل زندگی مسلمانان و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ واقع شده و این خود بهترین گواهی است بر اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ برای دفاع وارد جنگ شده است و آغازگر تجاوز، مشرکان بوده‌اند نه پیامبر و مسلمانان؛ بنابراین آنچه داعش مدعی است و رفتار ددمنشانه خود را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نسبت می‌دهد دروغی روشن است؛ چرا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در عین اینکه برای دفاع از خود به جهاد پرداخته و برای بسط اسلام بر اساس وظیفه خطیر الهی اما رفتار تکفیریان برای ارائه چهره‌ای خشن از اسلام و دین رحمت بر اساس توطئه دشمنان دین بود؛ رفتار آنان با اسیران هرگز منطبق با رفتار رسول خدا و امیر مومنان عَلَيْهِمُ السَّلَام نبود؛ رسول خدا اسیران را آزاد می‌نمود در یکی از جنگها

شرط نمود هرکس از مشرکان به مسلمانی کتابت یاد دهد و چیزی بیاموزد آزاد است؛ هرگز گردن اسیری توسط حضرت همچون رفتاری که داعشیان کردند بریده نشد و هیچگاه اسیران را نکشت؛ داعش مسلمانان و شیعیان و جوانان بی‌گناه را قتل عام و اعدام دسته‌جمعی و نسل‌کشی می‌کرد که در قرآن کریم از این قتل و کشتار به قتل و کشتار تمام مردم تعبیر شده است.<sup>۱</sup> بنابراین تفاوت ماهوی بین تمام کارها و اقدامات رسول الله و امیر مومنان با رفتارهای داش به وضوح دیده می‌شود، رسول خدا آنچه در دفاع یا اقدامات بازدارنده و جهاد انجام داده است که براساس وحی و دستورات الهی می‌باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد رفتارهای خشونت‌آمیز گروه‌های افراطی ای چون داعش و بوکوحرام به هیچ وجه مطابق با رفتارهای رسول خدا ﷺ نیست.

چراکه اصل اولی‌ای که رسول خدا ﷺ در برخورد

۱. مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا... مائدة/۳۲.

با اسیران رعایت آن را بر خود و یارانش واجب کرده بود، مهربانی و گذشت بوده است آن حضرت تا جایی که امکان داشت از برخورد خشونت آمیز با اسیران خودداری می‌کرد و عموماً آنان را می‌بخشید و آزاد می‌کرد و تنها در برخی از شرایط خاص، دستور قتل افرادی را صادر می‌کرد. این افراد عموماً کسانی بودند که شخصی را به قتل رسانده بودند و یا یک بار اسیر شده بودند و از آنان تعهد گرفته شده بود که در جنگ با آن حضرت شرکت نکنند ولی آنان به این تعهد عمل نکرده بودند و مجدداً در جنگ شرکت کرده بودند و به اسارت درآمده بودند. یا کسانی بودند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را هجو کرده بودند و یا همانند بنی قریظه بودند که در بدترین شرایط پیمان خویش را با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شکسته بودند و علی رغم آشکار شدن حقانیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حاضر به مسلمان شدن نبودند.

**ثانیا:** مسلمانان در قتلِ کسانی که مستحق اعدام بوده‌اند، این گونه نبوده که همانند داعش مقتول را روی زمین بخوابانند و مانند گوسفند سر او را با کارد و یا خنجر ببرند و از بدن جدا کنند و یا او را آتش بزنند. افرادی که در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

مستحق کشته شدن بودند، عموماً با یک ضربه شمشیر به قتل رسیده‌اند.

**ثالثاً:** در آن زمان تنها وسیله قتل همان شمشیر بوده است در آن زمان هنوز تفنگ و ... اختراع نشده بود. فرض کنیم که کسی مستحق قتل شود چگونه باید او را به قتل برسانند؟ آیا وسیله‌ای با زجر کمتر از شمشیر برای مجازات مستحقان قتل هم وجود داشته است؟

امروزه داعش بر اثر افکار افراطی و انحرافی خویش تنها خودشان را مصداق مسلمان واقعی می‌دانند و به تکفیر دیگران می‌پردازند و به همین جهت به قتل آنان حکم می‌کنند. برداشت‌های نادرست از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم ﷺ سبب پدید آمدن چنین افکار انحرافی‌ای در میان آنان شده است.

### سخن پایانی

بررسی سیره رسول خدا ﷺ و امام علی عليه السلام در مواجهه با دشمنان و اسیران، نشان می‌دهد آن بزرگواران بر اساس اصل اولی مدارا و مهربانی در اسلام، عموماً دشمنان را بخشیده و با بزرگواری با آنان برخورد کرده‌اند. اما در برخی از موارد که

دشمنان از بخشش رسول خدا و امام علی علیه السلام سوء استفاده کرده‌اند و مجدداً به دشمنی خویش ادامه داده‌اند، و یا جرم و جنایتی را مرتکب شده بودند که قابل اغماض نبوده، برخورد با آنان خشونت آمیز بوده است. این نوع رفتار با دشمنان در حقیقت به منظور جلوگیری از هرج و مرج در جامعه و جلوگیری از سوء استفاده دشمن بوده است.